فهرست

[اشاره 2](#_Toc442340394)

[نقش سیره در زندگی 2](#_Toc442340395)

[1. نقش تربیتی و تحریکی 2](#_Toc442340396)

[2. نقش تشریعی و استنباطی 4](#_Toc442340397)

[فعل معصوم 4](#_Toc442340398)

[دفع حرمت توسط فعل معصوم 5](#_Toc442340399)

[دفع کراهت توسط فعل معصوم 5](#_Toc442340400)

[اباحه با فعل معصوم قابل‌جمع است 6](#_Toc442340401)

[استفاده ی رجحان از فعل معصوم 6](#_Toc442340402)

[معانی عصمت 7](#_Toc442340403)

[نتیجه 7](#_Toc442340404)

بسم الله الرحمن الرحيم

## موضوع: اصول فقه / مباحث الفاظ / اوامر

# اشاره

در بحث اوامر گذشت که صیغه‌ها و قالب‌هایی که افاده‌ی وجوب و بعث می‌کنند علاوه بر دو شکلی که در اصول آمده بود هفت یا هشت نوع دیگرش توسط ما افزوده شد که افاده‌ی بعث می‌کنند.

در پایان این بحث رسیدیم به سیره و رفتار معصوم که آیا رفتار معصوم افاده‌ی بعث وجوب می‌کند یا خیر؟

این بحث در تضاعیف کلمات فقها و اصولیون موردنظر قرارگرفته است اما مستقل و منقح کار نشده است؛ و پنج سؤال در جهت اصولی در رفتار معصومین وجود دارد که آن‌ها ذکر شد.

##  نقش سیره در زندگی

در اینجا یک نکته باقی است و آن این که سیره و عمل کرد معصومین چندین نقش دارد:

### نقش تربیتی و تحریکی

ما ممکن است آیاتی را در باب جهاد یا دیگر ابواب بخوانیم ولی وقتی این آیات را درباره جنگ بدر یا احد در سیره‌ی پیامبر می‌بینیم یک نوع دیگری نسبت به این‌ها برانگیخته می‌شویم در مثل امربه‌معروف و نهی از منکر تا عاشورا را نبینیم نمی‌فهمیم امربه‌معروف چیست و آن برانگیختی در ما پیدا نمی‌شود؛ بنابراین سیره در رفتارهای خانوادگی و فردی و اجتماعی که ائمه و اصحاب داشتند یک نقش مهمی که دارد تأثیرگذاری تربیتی و اخلاقی در انسان‌ها است و انسان‌ها را به سمت آنچه از متون قولی و الفاظ آیات و روایات می‌فهمد، تحریک می‌کند این نقش در فقه الآن موردبحثمان نیست. گرچه مهم است در برانگیخته شدن انسان‌ها به کارهای خوب یا بازداشتن از کارهای بد به آن پرداخته شود.

 وقتی سیره را می‌بینیم و نقش‌ آن را که دارای ارزش بزرگی است می‌یابیم؛ درک می‌کنیم که کار سیره در حقیقت تجسد همین تعالیمی است که در آیات و روایات آمده است. طبیعت بشر این است که وقتی این تجسد را جایی می‌بیند بیشتر در ذهنش ازنظر آموزشی تثبیت می‌شود و ازنظر انگیزشی بیشتر به دنبال آن حرکت می‌کند؛ بنابراین زمانی که سیره از معصوم باشد دو نقش آموزشی و تربیتی در زندگی بشر نمایان می‌شود:

1. باعث تحریک انسان‌ها می‌شود و این‌یک نقش مهمی است که فعلاً محل بحث ما نیست.

2. نوع مصداق کلیات را ازنظر خارجی مشخص می‌کند. مثلاً آمده است که: «**صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي‏»[[1]](#footnote-1)** درواقع ترغیب به نماز شده است و اجزا و شرایط آن گفته‌شده است؛ ولی در مقام عمل اینکه چگونه در عالم خارج محقق می‌شود مصداق را مشخص می‌کند و یک نوع آموزش از قواعد و چیزهای کلی است. پس نقش تهییجی و آموزشی به لحاظ اینکه مصداق را مشخص بکند و در ذهن تثبیت بکند این نقش در صیغه‌ها وجود دارد و در جای خودش بحث می‌شود.

### 2. نقش تشریعی و استنباطی

غیر از نقش آموزشی و تربیتی که سیره دارد و نقش مهمی هست.آیا سیره‌ها محل تشریع و منبع استنباط احکام شرعی می‌توانند باشند یا خیر؟ یعنی همان‌طور که اقوال یک منبع حقوقی و فقهی و تشریعی است، می‌تواند رفتارها و سیره‌های فردی و اجتماعی ائمه، جنبه‌ی تشریعی پیدا بکند و از آن بتوانیم احکامی به همان شکلی که از اقوال استفاده می‌شود استفاده بکنیم یا خیر؟ ما در اینجا در مورد سیره که آیا منبع فقهی و حقوقی می‌تواند باشد بحث می‌کنیم.

حال چون بحث به اینجا کشید ناچاریم چند جلسه در این موردبحث بکنیم البته مرحوم شهید صدر در حلقات مقداری به آن پرداخته است.

با توجه به این مسئله در دو بخش فعل و ترک وارد سیره می‌شویم ؛ درباره ترک که مشکلات بیشتری دارد بعداً بحث می‌کنیم.

#  فعل معصوم

در فعل چند نکته باید موردتوجه قرار گیرد:

آیا از فعل می‌شود فراتر از اباحه؛ چیزی را استفاده کرد یا خیر؟

آیا این فعل مفید رجحان و بعث می‌تواند باشد یا نمی‌تواند؟

آنچه قطعی است آن است که فعل معصوم حرام نیست؛ چون معصومین ارتکاب حرام ندارند، فلذا افعال صادره از آن‌ها (نفس فعل) اولین دلالت متیقنش این است که این فعل در رفتارها و زندگی‌شان حرام نیست. پس حرمت به خاطر عصمت از این دایره کنار می‌رود.

آیا فعل امام می‌تواند مکروه باشد یا نه؟ این هم برمی‌گردد به این‌که آیا معصوم کار مکروه را انجام می‌دهد یا نه؟

این بحث کلامی است و باید در جای خودش بحث شود؛ ارجاع می‌دهم به آنجا البته بعید نیست گفتن اینکه مکروه بالفعل را معصوم انجام نمی‌دهد. گرچه بعضی آن را قبول ندارند که باید دید عصمت معنایش ترک مکروه است یا نه؟

### دفع حرمت توسط فعل معصوم

برای اینکه بگوییم این فعل حرام نیست دو مقدمه لازم است:

عصمت معصوم از گناه به‌طور عمد.

اینکه معصوم خطای در موضوعات هم نمی‌کند.

اگر این دو را ثابت کردیم می‌شود گفت فعل او حرام نیست؛ یعنی فعل او دال بر حرام نیست زمانی می‌شود چنین گفت که دو چیز ثابت شود: یکی عصمت از گناه و دیگری عدم خطا و سهو و نسیان در موضوعات و الا اگر بگوییم که سهو و نسیان در موضوعات بر معصوم جایز است؛ یعنی ممکن است یادش برود حتی نسبت به این‌که ظرف مثلاً نجس است سهو داشته باشد و آن را بخورد اگر این امر را جایز بدانیم می‌شود گفت که توجه نداشته و مرتکب این فعل شده است؛ به نظر می‌آید در باب عصمت جایز نیست. پس نفی حرمت متوقف بر دو مقدمه است:

اینکه معصوم گناه نمی‌کند.

 اینکه در موضوعات اشتباه نمی‌کند.

## دفع کراهت توسط فعل معصوم

فعل معصوم مکروه بودن فعل را نفی می‌کند. علاوه بر دو مقدمه‌ی قبلی بیاییم دایره عصمت را توسعه بدهیم و بگوییم که عصمت از مکروهات هم هست که در این صورت دفع کراهت می‌کند و من این را بعید نمی‌دانم.

### قابل‌جمع بودن اباحه با فعل معصوم

آیا این فعل با اباحه قابل‌جمع است یا نه؟ این زمانی است که ما قائل باشیم به اینکه آیا مقام عصمت همیشه اولی‌ها را انجام می‌دهد و در همه‌ی موقعیت‌ها یک اولویت وجود دارد؟ فعل او بالاتر از اباحه را می‌رساند به این معناست که در همه‌ی موقعیت‌ها یک‌طرف ولو با عناوین ثانویه اولویت پیدا می‌کند و معصوم هم اولی را ترک نمی‌کند. اگر این دو مقدمه را هم اضافه کنیم؛ آن‌وقت اباحه را هم نفی می‌کند؛ که در این دو مقدمه ممکن است یکی را در بحث کلام قبول کنیم و بگوییم که معصوم اولی را ترک نمی‌کند؛ اما در مقدمه‌ی بعدی که همیشه موقعیت‌ها ولو با عناوین ثانویه ترجیح دارد محل کلام است. ممکن است موقعیت‌هایی باشد که واقعاً طرفین فعل و ترک حتی باملاحظه‌ی عناوین ثانویه، اولی نباشد بلکه مساوی باشند. برای اینکه نفی کنیم باید این دو مقدمه را به آن‌ها بیفزاییم که مشکل پیش می‌آید چون همیشه فعل خارجی داری یک موقعیت است و بنا بر پذیرش این حرف دیگر مباح مطلق وجود ندارد و امام همیشه اولی را انجام می‌دهد این دو مقدمه محل خدشه است چون ذات فعل در خیلی موارد مباح مطلق است. درجایی که برای فعل مباح نیت تقرب می‌کند در این صورت برای هر فعلی یک‌طرف اولی وجود دارد ولی این با ذات مباح بودن فعل کاری ندارد بلکه نیت با فعل مباح قابل‌جمع است. جریاناتی مثل جریان عاشورا که از امام حسین علیه‌السلام این فعل صورت گرفت یا افعال امام صادق علیه‌السلام نشانگر این است که این فعل حرام نیست؛ و بعید نیست که بگوییم مکروه هم نیست؛ ولی با قطع‌نظر از نیت نمی‌توان گفت این فعل مباح نیست. پس با مباح بالمعنی الخاص جمع می‌شود.

# استفاده رجحان از فعل معصوم

آیا چون فعل معصوم با نفی حرمت و کراهت و اباحه‌ی بمعنی الخاص قابل‌جمع است می‌شود یک نوع رجحانی از آن استفاده کرد؟ و بالاتر از آن وجوب را استفاده کرد؟ این امر را از ذات فعل بماهو فعل نمی‌توان به دست آورد. اینکه پیامبر اکرم (ص)، امام حسن و امام حسین (علیهماالسلام) را در دامن می‌گذاشت و می‌بوسید؛ یا در نماز طور دیگری رفتار می‌کرد. این نوع موارد حداکثر حرمت و کراهت را نفی می‌کند؛ و قدر متیقن آن‌ها اباحه‌ی بمعنی الخاص است؛ اما اینکه بگوییم مفید رجحان است باید قراین خاصه‌ای را پیدا کنیم. اگر کسی بگوید امام همیشه اولی را انجام می‌دهد آن‌وقت می‌تواند بگوید این فعل مفید رجحان است. ولی این تام نیست چون انجام راجح یا ذات فعل ممکن است که موردبحث باشد، نه رجحان از ناحیه‌ی نیت. فلذا چون قرینه‌ی دومش مخدوش است نمی‌توان گفت از آن رجحان را استفاده می‌کنیم.

# معانی عصمت

گاهی عصمت به معنی انجام واجب و ترک حرام و گاهی یعنی انجام واجب و ترک حرام منجز است و گاهی به معنی واجب و حرام واقعی است؛ یعنی به موضوعات هم توجه دارد و انجام نمی‌دهد و گاهی یعنی انجام مکروه نمی‌کند و گاهی هم همیشه راجح را انجام می‌دهد که ذاتش راجح است و گاهی اطرافش راجح است را انجام می‌دهد.

# نتیجه

بنابراین فعل ذاتش اباحه بالمعنی العام را می‌رساند و فراتر از این را نمی‌رساند و با وجوب و استحباب هم جمع می‌شود.

اما از فعل، استحباب و وجوب را استفاده نمی‌کنیم؛ چون قرینه عامه و دلیل متقنی نداریم و این نیاز به دلایلی دارد که بعداً به آن می‌پردازیم.

1. **. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏82، ص: 279.** [↑](#footnote-ref-1)